



مرکز تحقیقات ایرانیکا

اصفهان

گامی



عمران  
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir



امام سجّاد عليه السلام  
و عبادت

حسين باقر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# امام سجاده عليه السلام و عبادت

نویسنده:

حسین باقر

ناشر چاپی:

مجهول ( بی جا ، بی نا )

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	امام سجاده علیه السلام و عبادت
۶	مشخصات کتاب
۶	امام سجاده و عبادت (۱)
۶	اشاره
۹	بررسی حالت تعبد همگام با مظاهر انسانی دیگر
۱۰	بررسی حالت تعبد از رهگذر توجه به اوضاع و احوال زمان امام
۱۱	بررسی پدیده تعبد، با توجه به نقش امام و عمل هر یک از ائمه در هر مرحله
۱۲	عزالت امام و حالت تعبد
۱۵	رهبری امام و حالت تعبد
۱۹	امام سجاده و عبادت (۲)
۱۹	اشاره
۲۰	حکومت و تعبد امام
۲۲	تفرقه و تلاش امت، و مسئله تعبد
۲۴	تربیت و مظاهر تعبد
۳۳	درباره مرکز

### مشخصات کتاب

مؤلف: حسین باقر

مترجم: محمد مهدی رضایی

ناشر: حسین باقر

### امام سجاد و عبادت (۱)

#### اشاره

در بررسی اساسی ترین مظاهر زندگی امام سجاد (ع) به مواردی چون: ترک دنیا، کثرت عبادت، زهد نسبت به مال دنیا و خوشی های آن خواهیم رسید. ما از این مظاهر به «تعبد» و روی گردانی از دنیا، تعبیر می کنیم. «تعبد» در حیات پر برکت امام (ع) به گونه ای است که محتاج دلیل و نص تاریخی نیست. همین کافی است که بدانیم آن حضرت را «زین العابدین» و «سجاد» لقب دادند. در نظر علمای غیر شیعی، امام سجاد (ع) عابدترین و زاهدترین فرد خود زمانه است که مانند خورشیدی بر تارک انسانیت می درخشد و تاریخ او را در اعلا مرتبه می ستایند. برای معرفی عبادت امام (ع) به صورت زنده و شناساندن کیفیت و مقدار آن و بررسی حالاتی مانند ترس از خدا، زهد و موعظه که از لوازم عبادت امام بشمار می آید، برخی از روایات را که متضمن این معنایند، یادآور می شویم: ۱) از یکی از کنیزان امام (ع)، درباره عبادت آن جناب، سؤال کردند، او گفت: «آیا مختصر بگویم یا تفصیل بدهم» گفتند: «مختصر بگو» گفت: «هرگاه برای ایشان غذا می بردم یا می رفتم که رختخواب شان را پهن کنم، در حال نماز و عبادت می دیدمشان. هر روز و شب هزار رکعت نماز می خواند. پیشانی حضرت از زیادی سجده پینه بسته بود و مانند پوست زانوی شتر شده بود». ۲) امام باقر «علیه السلام» عبادت پدر بزرگوارشان را چنین توصیف می کند: «پدرم شب ها آن قدر نماز می خواند که هنگام رفتن به رختخواب، از ناتوانی بر روی زمین خود را می کشاند». روایاتی هم کیفیت عبادت امام «علیه السلام» را شرح داده اند:

گفته اند: امام (ع) در حال نماز، مانند چوب خشکی بی حرکت می ایستاد، مگر این که باد لباس های ایشان را به حرکت درمی آورد. چون به نماز قامت می بست، رنگ چهره اش متغیر می شد و در حال سجده، آن قدر می ماند که عرق از سر و روی مبارکش جاری می شد. هنگام وضو گرفتن، از خوف خدا، رنگش می پرید و این چنین خود را برای دیدار پروردگار آماده می ساخت. بعضی از دوست داران امام، با دیدن آن همه عبادت و سخت گیری حضرت در تضرع و مناجات، خوف بر آنان را برمی داشت و از امام تقاضا می کردند که از عبادت خود کم کند و اندکی مراعات حال خود را بنماید. دخترش فاطمه، روزی به صحابی جلیل القدر، جابر بن عبدالله انصاری، گفت که هر طور شده امام (ع) را قانع سازد از عبادتش بکاهد، تا خدای ناکرده صدمه ای به ایشان نرسد و به مریضی گرفتار نیاید. زیرا او تنها فرزند به جا مانده حسین (ع) و تنها حجت خدا، بر روی زمین است. کیفیت عبادت امام، اختیار از کف حاضران می ربود و دل آن ها را می سوزاند. آن ها می گریستند و می ترسیدند که ضعف و ناتوانی، که بی سابقه نبود، کار دست امام بدهد. می گوید، روزی امام باقر (ع) نزد پدر رفت و او را در نماز، به حالتی عجیب مشاهده کرد. حالتی که کسی را یارای رسیدن به مرتبه آن نبود. رخسار امام (ع) از شدت شب زنده داری زرد شده بود و چشمانش از گریه بسیار سرخ. در اثر سجده های طولانی، پیشانی مبارکش پینه بسته بود و بینی ایشان زخم شده بود و ساق پاها به کلی از کار افتاده بود. امام باقر (ع)

گویند: وقتی پدرم را بدین حالت دیدم، نتوانستم تحمل کنم و گریستم. همه کسانی که درباره امام سجاد (ع) کتابی نگاشته اند و این حالات را متعرض شده اند، کمتر به تفسیری روشن و دقیق در این باره دست زده اند. توضیح نداده اند که چرا در زندگی ائمه دیگر، عبادت را بدین صورت مشاهده نمی کنیم. البته این نویسندگان بی میل نیستند که عبادت را به گونه ای که در زندگی امام سجاد (ع) بروز یافته، دلیل برتری ایشان بدانند و کثرت تضرع و شب زنده داری آن حضرت را، گواه عظمت مرتبه و امامت به شمار آرند. بسنده کردن به این گونه تفاسیر نارس و عقیم، نشان از درک ناقصی دارد که با شأن و منزلت، و شخصیت امام (ع) سازگار نیست. عبادت را صرفاً یک فضیلت و ارزش قلمداد کردن، یعنی بررسی حیات و شخصیت ائمه «علیهم السلام» به صورتی غیر دقیق و غیر شیعی و رسیدن به فهمی نادرست و غیر واقعی. اما معرفت شیعی که مبتنی بر اصول اعتقادی ماست، مجال گسترده تری را برای بررسی نقش ائمه «علیهم السلام» و پی گیری هدف های مشترک ایشان و بحث در وسایلی که برای رسیدن به این اهداف به کار گرفته اند، پیش روی ما می گذارد. این که چنین پدیده ای را بدین کیفیت در طول حیات ائمه پیش و بعد از امام سجاد (ع) نمی بینیم، ما را به این نتیجه می رساند که عبادت آن گونه امام، حرکتی اصولی و وسیله ای کارآمد بود، تا در پرتو آن، اهداف بزرگی را که بر عهده داشت، تحقق ببخشد. نه امام حسن (ع) و نه امام صادق (ع) هیچ کدام، آن گونه که امام سجاد (ع) به عبادت



می پرداخت، نپرداختند، و حال آنکه همه امامان «علیهم السلام» در رتبه و شان، برابر و یکسان بوده اند. کدام اوضاع و احوال، امام سجاد (ع) را به اتخاذ چنین رویه ای مجبور می ساخت و اهدافی که این رویه متضمن تحقق بخشیدن بدان ها بود، کدام است؟ برای این که خواننده بتواند ما را در فهم هر چه بهتر این پدیده همراهی کند و از ابعاد و مفاهیم و مضامینی که در آن پدیده هست، آگاهی یابد، ناچاریم که آن را از دیدگاه های مختلف بررسی کنیم و به همان نظرگاه معمول و واحد اکتفا نکنیم، زیرا به درک ناقص و ناستوار ما از جای گاه حقیقی پدیده عبادت در حیات طیبیه امام سجاد (ع) خواهد انجامید.

### **بررسی حالت تعبد همگام با مظاهر انسانی دیگر**

تعبد، تنها جنبه قابل بررسی زندگی امام سجاد (ع) نیست. جنبه های ارزشمندی چون، آزاد کردن بردگان، بخشش و انفاق نیز در کنار تعبد وجود داشتند. در بحث از زندگی امام (ع)، باید این جنبه ها را کنار هم گذارد و از زاویه ای واحد بدان ها نگریست. این روش، ما را به لمس زیبایی تناسب بین آن ها و درک ضرورت ارتباطشان با یکدیگر می رساند و فهم دقیق جوانب قدرت و تاثیرگذاری این پدیده ها را در فربهی و تکامل شخصیت، به ما ارزانی می کند. آن وقت است که به چگونگی به کارگیری این ابزار توسط امام (ع) و شیوه جمع کردن بین آن ها، به عنوان یک صفت واحد پی خواهیم برد. در بررسی مشترک این پدیده ها، به خاطر وحدت انگیزه و هدف، نقش هر یک از این پدیده ها در تحقق بخشیدن به هدف های جزئی مختص به خود، انکارناپذیر است، اما مجموع این اهداف جزئی است که

هدف عام و گسترده امام (ع) را شکل می دهد و متبلور می سازد.

### بررسی حالت تعبد از رهگذر توجه به اوضاع و احوال زمان امام

اوضاع سیاسی زمان امام سجاد (ع) مختص آن حضرت بود و با اوضاع سیاسی روزگار ائمه دیگر، تفاوت داشت. امام (ع) فرزند یک انقلابی بود که بر ضد حکومت اموی قیام کرده بود و در راه تصحیح افکار انحرافی آن زمان، شهادت را برگزیده بود. سرزمین های اسلامی، در زمان امام (ع)، خاصه در دوره اول امامت، در تب تند اضطراب، هرج و مرج و ناامنی می سوخت. دولت اموی در حال نابودی و فروپاشی بود و دولت زبیری در حال شکل گیری و سامان یافتن. البته دوره دوم امامت حضرت (ع) بهتر از دوره اول نبود. جامعه اسلامی در چنگال کابوس وحشتناک و خفه کننده، و ظلم فاجعه آفرینی گرفتار شده بود که علم آن را عبدالملک و والیان قسی القلب او یعنی حجاج، خالد قسری و بشیر بن مروان بر دوش می کشیدند. همچنین آن دوران، دوران تحولات اجتماعی بود که در پی فتوحات گسترده مسلمانان پدید آمدن فتوحاتی که حکام را، بی آنکه به مخاطرات کشور گشایی و آمیخته شدن مسلمین با کفار بیندیشند، به غنائم و خوشی های فتح سرگرم می کرد. در آن دوران، همچنین سردمداران فکری و شخصیت های دینی، پا به عرصه اجتماع گذاردند و مردم را به تبعیت از خویش فراخواندند؛ کاری که در دوران زندگی امام حسن و امام حسین «علیهما السلام» هیچ کسی جرأت انجام آن را نداشت. در کنار همه این امور، اعمال تبلیغاتی امویان، ضد اهل بیت و بنی هاشم، همچنین کوشش حکومت در مسخ کردن چهره نورانی فرزندان رسول (ص)، کم کم به ثمر نشست و در دل

مردم رسوخ نمود. در این زمان بود که کار تحریف آغاز گشت و دستگاه اموی با خریدن فحاشان و اجیر کردن راویان دروغ گو، به نیرنگ بازی و دسیسه با مسلمانان پرداخت. همه این امور بود که دست به دست هم داد و چهره واقعی دوران حیات امام (ع) را شکل بخشید، لذا در بررسی پدیده تعبد ناچاریم اسباب، اهداف و نتایج آن را مورد توجه و دقت قرار دهیم.

### **بررسی پدیده تعبد، با توجه به نقش امام و عمل هر یک از ائمه در هر مرحله**

نقش و عملکرد امام سجاد (ع) نشان دهنده نوعی انعطاف در سیره و عمل ائمه (ع) بود. دوره ائمه پیش از ایشان دوره جنگ سیاسی و مطالبه حکومت بود، اما دوره دوم یعنی دوره امام سجاد (ع) و بعد از او، دوره رهبری فکری و جدال بر محور این موضوع بود. حیات حضرت در ابتدای این دوره، ظهور یافت و طبیعتا پدیده ها و تجلیات جدید و رفتار هم شان آن را طلب می کرد. رننگ و کیفیت این پدیده ها به فهم شیعه آن زمان، مقدر آگاهی و سطح فرهنگ آنها و نوع ارتباطشان با هم بستگی داشت، چرا که شیعه، مجموعه ای بود از تمایلات عاطفی و جمعیتی که دارای اصول و مبانی است. وظیفه ماست که به بررسی اهداف واقعی و برنامه های تبلیغی امام پردازیم: اهدافی چون: پاسداری از احکام اسلام و تبعیت امت از آن احکام، روشنگری مسلمانان، پروردن علما و به وجود آوردن یک شخصیت نمونه و کامل. همچنین باید به مقدر عنایت مردم و شیعیان به امام «علیه السلام» برای به عهده گرفتن رهبری و ادامه رهبری، توجه داشته باشیم. در این مجال به بررسی پدیده تعبد در زندگی امام زین العابدین «علیه

السلام» می پردازیم تا به تفسیری درست و روشن از آن و انگیزه هایی که امام را به انتخاب این روش، واداشت، برسیم.

## عزیت امام و حالت تعبد

معروف است که امام سجاد (ع) به دور از کارهای اجتماعی، اندیشه ای جز عبادت و روی گردانی از امور دنیا نداشته است. در این باره گفته اند: ایشان بیرون از مدینه، اتاکی از مو برای خود ساخته بود و در آن جا به عبادت و تضرع به درگاه پروردگار می پرداخت. در بعضی از روایات علت انزوا و روی گردانی امام (ع) از فعالیت های اجتماعی، فرمان و امر الهی و خط مشی غیبی، ذکر شده است. به امام صادق (ع) نسبت داده اند که فرمود: علی بن حسین (ع) بعد از شهادت پدرش، مهر چهارم وصیت فرود آمده از جانب خدا را گشود. در آن نوشته بود: «سکوت کن و خاموش بنشین». جای آن است که بپرسیم: به کدامین علت و انگیزه، امام سجاد (ع) به انزوا روی آورد و برای چه خداوند او را به سکوت و خاموشی فرمان داد و این که در امور اجتماعی و عامه و رهبری آنها وارد نشود؟! در پاسخ به این سؤال، به دو عامل مهم برمی خوریم که امام را به گزینش چنین زندگی ای آن هم در میان مردم وادار کرد: اول: اوضاع و احوال سیاسی دوم: شفاف شدن عمل مرحله ای امام (ع) منظور از وضع سیاسی، سیاستی است که در زمان حیات امام سجاد (ع) جریان داشت و دو دوره داشت: دوره اول که با حکومت یزید آغاز شد و ستیزه جویی و سخت گیری را به نمایش گذارد. این دوره نه سال اضطراب و جنگ بین امویان و زبیری ها را

بر سر حکومت، در پی داشت و انقلاب های شیعی متعددی را در عراق شاهد بود. دوره دوم هم بعد از سیطره عبدالملک بر حکومت و ظلم و ستم او، و به کار گماردن والیان قسی القلب و خونریز بر امت مسلمان شروع شد. امام (ع) فرزند مرد انقلابی ای چون حسین (ع) بود. همین امر او را از رهبران بنی هاشم و در صف دشمنان شماره یک امویان و داعیه داران حکومت، قرار می داد. علاوه بر این، شورش های شیعی که در گوشه و کنار به وقوع می پیوست، امام را به رهبری خویش فرامی خواندند. همه این ها عرصه را بر امام (ع) تنگ می کرد و از خطرهای بسیاری که در کمین او بود، برحذر می داشت. اما شفاف شدن عملکرد مرحله ای امام (ع): انتقال از مرحله جنگ با دولت حاکم که روش ائمه پیشین بود به مرحله آتش بس و فرصت یابی برای نشر علم و تربیت شیعیان و بالابردن سطح فرهنگ آن ها و رسوخ دادن مفاهیم اندیشه امامت در ذهن و زبان ها، همه نشان از انعطاف و نرمش بسیار در شیوه عمل ائمه داشت. این انعطاف به یک شخصیت بزرگ و عمل عمیق و ریشه دار احتیاج داشت تا مرز بین آثار مرحله اول را به وجود آورد و لوازم و مقدمات فعالیت مرحله دوم را سازمان دهد. قصد امام (ع) از روی کار آوردن مرحله دوم این بود که مردم و شیعیان نوع برخورد با ائمه خود را، که بدان خو کرده بودند، کنار بگذارند و آن گونه با ایشان برخورد کنند که برخاسته از یک فهم و شعور اصولی باشد و نه عاطفی صرف. انزوای حضرت، همان عملکرد فاصل

بین دو مرحله و مرز ممیز آن بود. مرحله دوم از آن جا آغاز شد که با روی کار آمدن روش های نو و وسایل جدید، ته مانده های مرحله دوم تمامی پذیرفت و راه برای ائمه بعدی باز و هموار گردید. بنابراین، می توان ادعا کرد که امام سجاده (ع) به تدریج، دامن خود را برچید و انزوا را به گوشه ای نهاد و بعد از به ثمر نشستن آن روش و تحقق یافتن هدف ها، آرام آرام به کارهای اجتماعی و فعالیت های هدفمند در بین صفوف جامعه اسلامی، روی خوش نشان داد. پس خانه ای که امام (ره) در بیرون مدینه، برای عبادت خود ساخته بود، به دوره اول زندگی حضرت تعلق داشت؛ یعنی به زمانی که از کربلا به مدینه مراجعت فرمود. این که امام (ع) تمام عمر خود را در آن خانه به عبادت صرف، پرداخته باشد سخنی ناصواب است. بی شک این کار، با توجه به این که امام، هادی مردم و حجت خداوند است، از ایشان بعید و با هدف امامت ناسازگار می نماید. گر چه امام (ع) از انزوای خود کاست و تدریجاً آن را به کناری نهاد، اما هیچ گاه با تمام وجود وارد جامعه نشد و خود را با فعالیت های اجتماعی آشتی نداد. او مانند انسانی زاهد و عابد، به دور از مسائل و مشغولیات دنیا، زندگی کرد و وقت خود را صرف موعظه مردم، رسیدگی به فقرا و برآوردن نیازهای مردم نمود. این که روش امام سجاده (ع) با دیگر ائمه (ع) سر از تناقض درآورد، غیر ممکن است. بنابراین بین دوره اول از زندگی امام و دوره دوم فاصله ای که آن

دو دوره را در برابر هم قرار دهد، وجود ندارد. آن اوضاع و احوال و به تبعش آن انگیزه های خاص، امام (ع) را احاطه کرد و انزوا و نپرداختن به فعالیت های اجتماعی را پیش روی ایشان گذارد و طبیعی است که در چنین موقعیتی، شخص به آن چه محبوب و مرغوب اوست، روی می آورد. امام (ع) نیز عبادت پروردگار و مناجات و تضرع با او را انتخاب نمود و خود را با نماز و روزه مشغول داشت. این حالت امام (ع)، با وضع ظاهری و روحی امام کاظم (ع) و ائمه دیگری که به زندان می افتادند شباهت کامل دارد. آن ها به پاس این فرصت ناب، خدا را شاکر بودند و از موقعیت فراهم آمده، نهایت سود معنوی را می بردند.

### رهبری امام و حالت تعبد

جنبه روحی مردم عابد و زاهد را به دو گونه می توان تفسیر نمود: گونه اول، رویکرد روحی صحیح و اسلامی، که مورد توجه اسلام و اولیای الهی است. کسی که در عبادت خود چنین سمت و سوی دارد، نور ایمان، روح تقوا، اخلاق اسلامی و روح جهادگری در راه خدا، در او آشکار و نمایان است و زندگی دنیایی بین خصلت های او جدایی نمی اندازد. این انسان، هم مجاهد است، هم زاهد و عابد. هر که با او بنشیند خشنود برخیزد، حال آن که میل همنشینی هنوز در آن شخص باقی است و این همه از اثر بشاشت یقین و ایمان و گریه بر گناهان و تقصیرات، پدید آمده است. اما رویکرد دوم که از آن به رویکرد روحی منحرف (صوفیانه) یاد می کنیم آن که چنین جهت گیری را برمی گزیند، در فهم اسلام و مفاهیم آن، و درک

شریعت محمدی، به کژ راهه خواهد رفت. او گرچه، بیشتر به عبادت متوجه است اما این عبادت در او کارگر نیست و چه بسیارند عابدان و زاهدان این چنین که زنگارهای جاهلیت و ارزش های آن، از قلوبشان آویخته است و از شفافیت ایمان و طهارت روح در آن ها اثری نیست. این گروه از مدعیان، اسلام را در همین حد فهمیده اند و آن را کافی دانسته اند. پس زندگی را رها کرده به عبادت سرگرم شده اند. و این همان انحراف و صوفیانه عبادت کردن است. جهت گیری اول «که اسلام نیز به آن سفارش کرده» فاصل عملکرد ائمه (ع) و وجه تمایز آن ها از دیگران است. روحیه امام و عبادت او، اجتماعی و عامه است. به گونه ای که همنشینی با امام، انس و الفت را به دنبال دارد و علاوه بر مردم که جذب ایشان می شوند مخالفان نیز نوعی میل و کشش به آن حضرت، احساس می کنند. لب مطلب این که، زهد و عبادت امامان (ع) هیچ تأثیر سوء و ناگواری برای مردم به بار نمی آورد. هر انسان مسلمان و با ایمان، در برخورد با صنف اول از زاهدان و عابدان، و شنیدن سخنان ایشان، مهرشان را به دل می گیرد و بزرگشان می دارد. چرا که این گروه، نمونه ای صد درصد اسلامی، از یقین استوار و ایمان پابرجایند. حتی کسانی که از مسلمانی و التزامات روحی و عملی آن بویی نبرده اند، به انسان عابد، به این اعتبار که او شخصیتی قدرت مند و میل و رغبتی دگرگون نسبت به دنیای مادی دارد، احترام عمیق می گذارند و از او تجلیل می کنند. از آن جا که خداوند در ذات بشر تمایلات خیر و



گرایش به خوبی‌ها را به ودیعت نهاده، هر انسانی، انسان زاهد و سالک الی الله را به دیده تکریم می‌نگرد و از این احترام، به حب و تقرب و رابطه تعبیر می‌کند و گاه، گرچه آن ارتباط را آشکار نمی‌سازد، ولی از رهگذر آن، با انسان متعبد، برخورد و سلوک می‌کند. این معنا را بیشتر ما، به تجربه دریافته ایم. اگر درباره یک انسان زاهد و عابد، مطالبی بشنویم که بوی بدگویی و ناسزا می‌دهد، با دیدن آن شخص و مشاهده رفتار و گفتار او، حالت روحی ما به سرعت تغییر می‌کند، و ما چاره‌ای جز دفاع از آبروی آن انسان و تکذیب شنیده‌های خود نخواهیم داشت. برای نمونه، از سرگذشت حضرت کاظم (ع) و زندانبان او حکایتی بشنویم. روزی که امام (ع) را به زندان بردند، زندان بانی برایشان گماشتند تا مراقب حضرت و اوضاع زندان باشد. این شخص نسبت به امام (ع) بسیار جسور بود و در آزار و اذیت، سعی بلیغ می‌کرد. روزها گذشت و زندان بان جز عبادت و نیک رفتاری امام (ع) چیزی مشاهده نکرد، دانست که آن چه درباره امام (ع) شنیده و نسبت‌های زشت و ناروایی که به ایشان داده‌اند، یکسره دروغ و بی‌اساس است. پس از کار خود کناره گرفت. این اندک ثمره‌ای بود که بر زهد و عبادت بی‌پرده امام کاظم (ع) مترتب گشت، تا برسد به نتیجه برتر و مقصود اصلی ایشان. پیش از او، امام سجاد (ع) عیناً، همین روش را درباره عبادت خود، پی گرفته بود. عبادت روشمند امام (ع) با آن شکل خاص، مردم را بر آن می‌داشت که او را بزرگ‌بدارند، قدرش را بدانند

و با او همدردی و هم‌فکری کنند. امام (ع) این گونه، قلب بسیاری از مردم و شیعیان را صاحب شده بود. حالت تعبد، به عنوان یک صفت بارز در امام، نظر مردم را جلب کرده بود و در نگاه آن‌ها امام شخصی بود، زاهد، روی گردان از متاع دنیا و لذات آن، که هم خود را به عبادت و تضرع صرف می‌کرد. در آن زمان، فرد دیگری را نمی‌شد سراغ گرفت که مانند امام سجاد (ع) عمل کند و سخن بگوید. مردم این را می‌دانستند و احترام و تکریمشان، رنگ تقدیس به خود می‌گرفت و با گذشت روزها، ماه‌ها و سال‌ها، افزون‌تر می‌شد. امام (ع) منحصر به فرد بود. مدام ذکر خدا می‌گفت و پیوسته می‌گریست. چنان از قیامت بیم داشت، گویی آن را پیش روی خود می‌بیند. سلوک عبادی حضرت، همواره با پدیده‌های دیگری چون انفاق، دستگیری از بیچارگان، انجام اعمال نیک و دوستی با مردم، توأم بود. اهل مدینه، به فضل و برتری امام (ع) بر دیگران معترف بودند و او را بر بسیاری از اطرافیانش که گاه مانند او عمل می‌کردند و از بزرگان بنی‌هاشم بودند، ترجیح می‌دادند. در روایت است که شخصی به سعید بن مسیب گفت: «با تقوی‌تر از فلانی ندیدم». سعید گفت: «آیا، تا به حال علی بن حسین را دیده‌ای؟» گفت: «نه». گفت: «کسی را ندیدم که از او پرهیزگارتر و عابدتر باشد» زهری، هم صدا با بزرگان عصر خود، گفته است: «در میان بنی‌هاشم، کسی را برتر از علی بن حسین (ع) نیافتم.» این سخن هم از اوست که: «کسی از اهل این

خاندان را نمی شناسم که شایسته تر از علی بن حسین (ع) باشد.» «حرب صحاف» از سعید، غلام حسن بن صالح نقل کرده است که گفت: «کسی را سراغ نداشتم که در ترس از خدا به مقام حسن بن صالح رسیده باشد، تا این که به مدینه رفتم و با علی بن حسین (ع) آشنا شدم. او آن چنان از خوف خدا و آتش دوزخ بیمناک بود که گویی جهنم را تجربه کرده و چشیده است.» خلاصه سخن این که تعبد، آنگونه که در زندگی امام (ع) چهره نمود، به بار نشست، رهبری و زعامت حضرت را پایدار ساخت و امامت و قدسی بودن او را، به همگان ثابت نمود. این مقاله، ترجمه یک فصل از این کتاب است: الامام السجاد، (محاولة لاكتشاف دور الامام الرابع في الامه من خلال تشخيص المرحلة و الاهداف و الوسائل التي كان يعتمد عليها في قياده المسيره الاسلاميه المظفره)، حسین باقر، شماره ۹ از سلسله «کتاب قضايا الاسلاميه معاصره» حسین باقر از شاگردان شهید صدر می باشد که درباره زندگانی امام سجاد (ع) فعالیت های فکری و قلمی بسیار جالبی کرده است.

## امام سجاد و عبادت (۲)

### اشاره

گفتیم که: پدیده تعبد، به عنوان یکی از مظاهر شگفت انگیز حیات امام سجاد علیه السلام، دارای کیفیت و کمیت خاصی است و برای بررسی آن، باید از دیدگاه های گوناگون مورد توجه قرار گیرد. فهم دقیق، ولی غیر متعارف عبادت امام در گرو چند عامل است: ۱- بررسی حالت تعبد، همگام با مظاهر و پدیده های دیگر. ۲- بررسی تعبد امام از رهگذر توجه به اوضاع و احوال آن روزگار. ۳- بررسی پدیده عبادت، با توجه به نقش امام، و عمل هر

یک از ائمه در دو دوره پیش و بعد از امام سجاد. در بحث عزلت امام و رابطه آن با عبادت آن حضرت، دو عامل مهم را برشمردیم که امام را به یک زندگی انزوا گرایانه و دور از مسائل اجتماعی سیاسی، وامی داشت. یکی از آن دو عامل، اوضاع و احوال سیاسی بود و دیگری، شفاف شدن عمل مرحله ای امام. و در بررسی پدیده عبادت و رابطه آن با رهبری و زعامت امام. گفتیم که، زهد و تعبد، دو گونه کاملاً متفاوت دارد. یک گونه آنکه مورد تأیید اسلام نیز هست، سمت و سوی صحیح و سالم دارد و در برگیرنده فضائل و برتری های اخلاقی است و اما گونه دیگر که رویکردی است صوفیانه و منحرف، تنها کثرت عبادت را مد نظر دارد و از حقیقت و روح اسلام در آن خبری نیست. و بیان شد زهد و عبادت امام از گونه اول بوده است و بس. و اینک ادامه این بحث.

### حکومت و تعبد امام

از جمله فوایدی که بر تعبد و انزوای امام سجاد (ع) مترتب بود، این بود که خیال حاکمان وقت را از جانب ایشان آسوده می گذاشت و امام را آن گونه جلوه می داد که گویی هیچ به فکر حکومت نیست و مشغولیتی جز عبادت و زهد ورزی ندارد. عبادت ها و حالت های روحی امام، بیشتر، پیش چشم مردم، واقع می شد و البته، امام را از این کار مقصود و غرضی مورد نظر بوده است. از جمله آن که دست حکومت را از خود کوتاه بدارد و از فعالیت ها و موضع گیری های خطرناک، دوری گزیند. خاصه که ایشان، شیعه، مخالف حکومت وقت، و فرزند انقلابگر عصر،

حسین بن علی (ع) بود و این همه امام را در مرکز حساسیت قرار می داد. امام، با پیش گرفتن این روش بی خطر، حاکمان را مطمئن ساخت و آنها را به دور از خویش نگه می داشت و موفق شد بسیاری از مشکلات و گرفتاری هایی که می توانست دامن گیر ایشان شود، برطرف سازد. گفته اند: چون عبدالملک تصمیم به قتل امام سجاد گرفت، تا هر احتمال خطری را از جانب آن حضرت، عقیم بگذارد، «زهری» برپاخاست و به او گفت: «علی بن حسین، آن گونه نیست که تو فکر می کنی. او به خود مشغول است». عبدالملک شادمان گشت و دانست که امام خیال منازعه و درافتادن با او را ندارد، لذا به زهری گفت: «به! امام، چه کار خوبی می کند». روزی امام به عبدالملک، که نظاره گر عبادت ایشان بود، گفت: «اگر نبود که خانواده ام بر گردن من حق دارند، و در قبال مردم مسلمان، مسئول هستم، چشم هایم را به آسمان می دوختم و قلبم را برای همیشه متوجه خدا می ساختم، تا آن لحظه که جانم را بستاند، که او بهترین حاکم است». در این هنگام امام به گریه افتاد و عبدالملک نیز گریست. این سخن، عبدالملک را متوجه می کرد که امام کسی نیست که به گمان او، حکومت خواه باشد، بلکه جز عبادت و تهجد، اندیشه ای ندارد. این تأکید امام البته ضرورت داشت تا بسیاری از خطرهای گرداگرد او را دفع نماید و نقشه های حکومتیان را ناکام سازد. حجاج به عبدالملک می نویسد که امام را بکشد و بدین وسیله پایه های حکومت خود را محکم نماید. زبیر، جاسوسانش را به مراقبت امام می گمارد، تا مانع گرد آمدن مردم در

اطراف ایشان شوند و آن حضرت را از روی آوردن به جنگ بر حذر دارند، و اگر انقلابیون کوفه (توابع و یاران مختار) خواستند با او تماس بگیرند، نگذارند. همه این امور، حکومت را پیوسته، هوشیار و ترسان می داشت. اما امام که سرد و گرم روزگار را چشیده بود و بصیرت کافی داشت، سخت گیری ها و خطرهای حکومتیان را خنثی می ساخت و ناکام می گذاشت. سفاح مسلم بن عقبه، سردسته لشکر اموی در واقعه «حره» درباره امام می گوید: «با این که فرزند رسول الله است، جز خیر و خوبی، هیچ از او صادر نشود». البته منظور سفاح از «خیر» این است که امام با حکومت کاری ندارد و در پی آن نیست که خطر و آشوبی برای دستگاه حکومتی دست و پا کند. این سخن که از شخصی چون سفاح بروز می کند، بهترین دلیل است بر این که امام، در تحقق هدف خود، که همان مطمئن ساختن حکومت اموی بود، موفق بوده است.

### **تفرقه و تلاش امت، و مسئله تعبد**

وقتی که دین اسلام بر طهارت مظاهر حکومت و تقوای حاکمان و التزام آن ها بر امور دین و دنیای مردم، تکیه می کند، نشان از تأثیر به سزای این عوامل در بدنه جامعه اسلامی، می دهد، چرا که انحراف و کجروی حکومت، تدریجا به از هم پاشیدگی اجتماع و شایع شدن محارم خواهد انجامید. آن جا که حکومت به دست حاکمان بی قید و لایبالی سپرده شود، بذر معصیت آرام آرام رشد کرده، مظاهر جرم و تباهی در اجتماع اسلامی آشکار می گردد و به دلیل ناتوانی حاکمان از ضبط و ربط امور و حفظ تقید جامعه به شئون دینی، گسترش می یابد، چه رسد به جایی که خود

حاکمان قدرت تشخیص موارد حرام و قدرت جلوگیری از رشد آن را نداشته باشند. دورانی که بنی امیه حکومت را به چنگ آورد و والیان فاسق آن، امور جامعه اسلامی را بر عهده گرفتند، و تا توانستند در پستی ها و انحرافات فرو رفتند و بی حیایی و گستاخی را مباح کردند، و اموال مردم را به پای لُهو و لعب خویش، قربانی نمودند، حال و روز جامعه به جایی رسید که آثار تلاش و انهدام، تضعیف روابط و مناسبات دینی و تعهدات روحی، نمایان گردید و فساد و فراوانی مجالس باطل و حرام، همه گیر و همه جایی شد. آثار تخریبی به جا مانده از فتوحات مسلمین، یعنی درآمیختن با جامعه کفر و برخورد با اموال و ثروت های انباشته، که البته به چنگ حاکم و رجال حکومتی می افتاد، باعث به وجود آمدن طبقه ای ممتاز و اسراف کار شد که آثار غیرقابل انکاری در شیوع اسراف کاری و گسترش فساد داشت. این روند تخریبی تا آن جا پیش رفت که جامعه اسلامی، در زمان امام سجاد (ع)، به خصوص در مکه و مدینه، دچار فروپاشی، و ضعف و رخوت مسلمانی مردم و روحیه آن ها گردید. جان های مردم، لانه پستی ها و فسادهای اخلاقی بود و ارزش های اسلامی دست خوش تحول و دگرگونی می شد. و این همه، دو علت اساسی بیش نداشت: ۱. انحراف حکومت و زیاده خواهی طبقه حاکم ۲. آثار تخریبی فتوحات حکومت در این وضعیت ناگوار، چاره ای جز عملیات بازدارنده و درمان گر، که جامعه مریض آن وقت را رو به بهبودی ببرد، وجود نداشت. ضرورت وجود یک جریان مانع، که در برابر همه گیر شدن این «وبا» در میان فرزندان جامعه

اسلامی، بایستند، به شدت احساس می‌شد. پس حیات روحی امام و روش عبادی آن حضرت، و زهد نسبت به دنیا و فریبندگی‌های آن، چیزی بود که برای پایداری و مانع تراشی در مقابل همه گیر شدن زشتی‌ها و فسادهای اخلاقی که جامعه را رو به متلاشی و نابودی می‌برد، پیش‌بینی شده بود. قصد امام از آن همه عبادت که با کیفیتی خاص انجام می‌شد، این بود که جامعه اسلامی را به روی کردی عکس جریان مادی‌گری بی‌قید و بند، وا دارد و سطح معنویت و مصونیت فرزندان آن جامعه را بالا- ببرد و نمونه‌ای کامل و اسوه‌ای بی‌نظیر را پیش روی آن‌ها بگذارد، تا نه تنها اصحاب و شیعیان، بلکه تمام مسلمین از آن خط بگیرند و به دنبال آن حرکت کنند. جهت‌گیری روحی امام، به مثابه طیبی حاذق، در میان جامعه اسلامی، نقش بسیار مهم و ارزنده خود را به اجرا می‌گذاشت. هرگاه که مریضی عمق پیدا می‌کرد و گسترش می‌یافت، نصیحت‌های مهربانانه طیب بود که درد و رنج را می‌کاست و نجات بعضی جان‌های بیمار را در پی داشت. همان‌گونه که وجود یک عالم روشن‌فکر، سطح علمی و فرهنگی مردم را ارتقا می‌دهد و هرچه بر عمر او افزوده گردد، فواید بیشتری به دیگران خواهد رساند. همین‌گونه بود، آثاری که عبادت امام سجاد (ع) در جامعه اسلامی و زندگی مردم بر جای می‌گذارد. به خصوص که مردم، پیوسته بروز آن حالات روحانی را که با اخلاص و ایمان و اخلاق همراه بود، طی ربع قرن، یا بیشتر مشاهده می‌کردند.

### **تربیت و مظاهر تعبد**

بشریت در راه رسیدن به خدا، نمونه‌ها و اسوه‌هایی را می‌طلبد که



نشان دهنده صورت علمی حیات دینی و حالات ربانی، باشند. تربیت، نتیجه مطلوب خود را نخواهد داد، اگر نظریه ها به عمل تبدیل نشوند و افکار و مفاهیم، در زندگی مریبان، صورت تحقق نپذیرد. حیات ائمه بزرگوار ما، نمونه ای مثال زدنی در تربیت و تزکیه است. نمونه ای که گروه های مختلف انسانی، می توانند دنباله رو آثار آن باشند و به روش آن عمل نمایند. زندگی ائمه به خود ایشان پایان نمی پذیرد، بلکه حیات مردم زمانه آن ها را نیز متأثر می سازد. بالاتر، حیات ایشان، درسی است برای همه مردم در همه زمان ها. حیات ائمه، اسلام مجسم و نوری است که ظلمات زندگی بشر را به نور تبدیل می نماید. امامان ما، نمونه ها و الگوهایی عالی به فرهنگ اسلامی، پیش کش نمودند. و مؤمنان و پیشوایان، در طی سلوک الهی خویش، بدان نیازمند و به یاری آن نمونه ها، در فهم طریق و التزام به آن محتاجند. همان گونه که انقلاب امام حسین (ع)، تنها یک نهضت ضد یزیدی نبود، بلکه یک درس و پیام روشن و یک رسالت ماندگار تاریخی برای امت مسلمان، در طول مدت حیات آن بود. تعبیر امام زین العابدین (ع) نیز، در حقیقت، یک نظریه تاریخی ماندگار برای جامعه اسلامی بود. یک الگوی دینی و نمونه اسلامی بود که مؤمنان خود را در مسیر آموختن از آن قرار می دادند و آثار آن را دنبال می کردند. امام حسین (ع) نظریه انقلاب بر علیه ظلم و فساد را بنیان نهاد و امام سجاد (ع) نظریه عمل عبادی، در برابر انحرافات اخلاقی را. و این گونه بود که روح عبادت او، در دل های مردم رسوخ پیدا می کرد و آنان را متأثر

می ساخت. بسیاری از اهالی تصوف، عبادت و زهد حضرت را الگوی خود قرار دادند و براساس آن به عمل پرداختند. پس سکوت امام علی، صلح امام حسن، انقلاب امام حسین و عبادت امام سجاد «علیهم السلام» همه، درس های عملی برای تربیت مردم مسلمان، در ادوار گوناگون زمان، بود. بنابراین باید گفت، قصد امام، از آن همه عبادت، این بود که نمونه و الگویی دینی و مثال زدنی، در رویکرد روحانی و تربیت ایمانی، به جامعه اسلامی تقدیم کند. پس امام ناچار بود، عبادت خود را در برابر چشم مردم و پیش روی آنها انجام دهد تا اثرگذار باشد و درس آموز. شاید بتوان بدین وسیله انگیزه امام را در جلوه دادن عبادت ها و راز و نیازهای خود، درک کرد و علت یابی نمود. عبادت امام، به خود او خلاصه نمی شد. عبادت امام درسی تربیتی، روحی و اخلاقی بود. فرصتی که امام در برابر خود می دید، بسیار قیمتی و غنیمت بود و بعید بود از او که آن فرصت طلایی را از دست بدهد و از آن بهره لازم را نبرد. در بعضی روایات، شرح عبادت های امام آمده است و این که آن حضرت چگونه تجربه های عبادتی خود را علنی و پیش چشم مردم انجام می داد، امام باقر (ع) در توصیف عبادت پدر بزرگوار خود می گوید: «هرگاه نعمتی از نعمتهای الهی را به یاد می آورد، سجده می کرد. با شنیدن آیات سجده دار، هر کجا که بود، به سجده می افتاد. اگر بلا و شری از او برداشته می شد، به شکرانه آن، فوراً سجده می کرد. هرگاه از نمازهای واجب فارغ می گشت به سجده می رفت، هرگاه بین دو شخص را اصلاح می کرد،

سجده را فراموش نمی نمود.» این اعمال به گونه ای نبود که مردم از آن بی خبر بمانند. بلکه می دیدند و می آموختند. مردم، صدای قرآن خواندن امام را بسیار می شنیدند. گفته اند که: «امام، قرآن را از همه زیباتر می خواند. سقاها، وقتی به کنار خانه امام می رسیدند، با شنیدن صدای قرائت قرآن، می ایستادند و گوش می سپردند.» در بسیاری از روایات این معنا ذکر شده که: هرگاه امام همراه با جمعیتی از مردم به سوی مکه به راه می افتاد، در بعضی از منازل میان راه، می ایستاد، به سجده می افتاد و در سجده تسبیح می گفت و بسیار دعا می خواند و گریه می کرد. و مردم با مشاهده این کارها، به معارفی دست می یافتند که بصیرت و آگاهی شان را نورانی و خدایی می ساخت. بسیاری از آن چه درباره عبادت امام گفته شد، در ملا انجام می یافت. مردم که کوشش امام را در عبادت و ناله و زاری، مشاهده می کردند، به گریه می افتادند و بر ایشان دل می سوزاندند. یک روز شخصی از امام پرسید: «ای فرزند رسول خدا! این بی تابی و گریه های پی در پی برای چیست؟ ما که گناه کار و جنایت پیشه هستیم، نمی توانیم مثل شما عمل کنیم. پدر شما حسین و مادرتان فاطمه است و جدی چون رسول خدا داری» این اعتراف صریح، از جمله فواید تربیتی عبادت امام بود، که جز با جلوه دادن آن به دست نمی آمد. دعاهاى امام سجاد، بلند مرتبه ترین معارف الهی و ارزشمندترین مفاهیم دینی را پیش روی خوانندگان قرار می دهد. امام از رهگذر این دعاها شیوه سلوک فردی و اجتماعی، طرز دعاکردن و روش اندیشیدن را آموزش می دهد؛ هم چنین، مسائل اعتقادی صحیح و

بایدها و نبایدها را توضیح می دهد و به ما می گوید که چرا باید دعا کنیم، چگونه باید دعا کنیم و دعاها چگونه مستجاب می شوند و در صورت اجابت نشدن دعا، چه باید بکنیم. دعاهاى حضرت اصول دین را یاد می دهد و مسائل مختلف حیاتی برای بشر را یادآور می شود و دیدگاه صحیح اسلامی را بیان می کند. هر وقت که به زمزمه دعاهاى زین العابدین می نشینیم، در آن واحد، هم دعا می خوانیم و هم چیزها می آموزیم. کافی است که اشتیاق امام را به این درس ها و تبلیغ آن ها به دیگران، درک کنیم. امام، صحیفه را نزد اولاد خود به امانت می گذارد و آن ها نیز در حفظ صحیفه نهایت کوشش خود را به کار می بندند. بعد از بیان همه این مطالب، دو اشکال اساسی و عمده را باید طرح کنیم و بدان ها پاسخ بگوییم. اشکال اول سخن ما این است که عبادت امام سجاد (ع)، با آن کمیت زیاد، نمونه ای بزرگ بلکه بزرگ ترین الگویی است که ائمه ما برای انسان های عابد و زاهد، به ثبت رسانده اند. دیگر این که: رویکرد معنوی امام و توجه خاص ایشان به دعا، راز و نیاز و تعبد طاقت فرسا، عکس العملی است در قبال اوضاع و احوال اجتماعی آن دوران، که امام را به انزوا و کناره گیری از امور دنیایی و اجتماعی مجبور می ساخت. و این امر، سبب مباشر برای پدید آمدن تعبد بود، که حیات امام را از زندگی دیگر امامان، متمایز می ساخت. اگر چنین است که گفتیم، پس آن چه از خود امام به ما رسیده، که درباره عبادت امیرالمومنین (ع) سخن می گوید، چه توجیهی دارد. امام اعتراف کرده

که عبادت او به پایه عبادت علی بن ابی طالب نمی رسد و تنها به اندکی از عبادت آن حضرت توانایی و قدرت دارد. ظاهراً این سخنان خلاف چیزی است که ما بر آن اصرار داریم و با تعبیری که از تعبیر ارائه نمودیم همخوانی ندارد. برای یافتن پاسخی دقیق و قانع کننده، ناگزیر از توضیح دو مطلب مهم هستیم: اول: اصطلاح عبادت، به دو معنا آمده است: اول معنای خاص که همان نماز و روزه و حج و... و اموری مانند دعا، گریه و شب زنده داری است. دوم، معنای عام که عبارت است از همه کارهای خوب و مورد پسند شارع مقدس که شرط قبول آن ها قصد قربت است. مانند صدقه دادن به فقیران همراه با قصد قربت. یا آشتی دادن دو نفر و حکم کردن بین مردم به قصد قربت. حتی آب خوردن به قصد قربت نیز داخل در معنای عام عبادت است. دوم: در بررسی تاریخ شیعه، کسانی را می بینیم که به جرم شیعه بودن و پیروی از علی بن ابی طالب، مورد تعقیب بوده اند و مدام عذاب دیده اند و شکنجه شده اند. آن هم به دست بدترین و پست ترین دشمنان اسلام، یعنی امویان. حاکمان اموی، با اجیر کردن راویان دغل و نیرنگ باز، و جعل احادیث دروغین، برای خلفا و صحابه شان و مرتبه جعل می کردند و قصدشان از این کار، کم رنگ جلوه دادن فضایل اهل بیت، به خصوص علی (ع) بود، و در صورت توانایی، محو و نابود کردن آن فضایل. دسیسه ها و نیرنگ بازی های حکام اموی و روش حکومتی آن ها، همه انگیزه ای بود برای مسخ فضایل و مناقب امام علی (ع)

و از میان برداشتن شأن و منزلت ایشان «جابر جعفی» به امام سجاد (ع)، شکایت می کند که بنی امیه و پیروان آن ها، شیعیان را می کشند و مولایشان علی را دشنام می دهند و بر بالای منبرها و در بازارها و میان راه ها و حتی در مسجد رسول خدا (ص)، بر علی لعن می فرستند و کسی آن ها را منع نمی کند. و اگر کسی به قصد بازداشتن مردم، چیزی بگوید، او را دستگیر می کنند و به او «رافضی» و «ترابی» خطاب می کنند، و بعد او را نزد امیر خود می برند. در مقابله با این اعمال خشونت آمیز و اهانت بار، روش ائمه (ع) برعکس است. آن ها، قدسی بودن شخصیت علی (ع) و فضایل و برتری های او را، بیان می کردند و بر آن اصرار داشتند. و بدین وسیله الگویی بی مانند و عنوانی چشم گیر را پیش روی مردم قرار می دادند تا به اهل بیت توجه کنند و به آن ها گرایش یابند. حال، بعد از توضیح این دو امر، می توان اشکال مطرح شده را اینگونه پاسخ گفت که: اگر امام سجاد، عبادت علی بن ابی طالب (ع) را آن گونه بزرگ می شمرد و عبادت خود را در برابر آن ذره ای بیش نمی بیند، معنای عام عبادت را در نظر دارد. منظور امام آن است که: امام علی به کارهایی پرداخت و اموری را سامان داد، که من هنوز به آن ها نپرداخته ام. او حکومت و زمامداری مردم را بر عهده گرفت؛ در میان مردم قضاوت می کرد و به کارهای اجتماعی و عمومی سرگرم بود و این ها اموری است که نزد خداوند بیشترین ثواب را نسبت به روزه و نماز، خمس... دارد. آن چه این معنی را

تاکید می کند، روایتی است از امام باقر (ع) که در گفتگو با اصحاب و یاران خود، از عظمت پدرش یاد می کند و سعی بلیغ او را در عبادت خدا یادآور می شود، و در عین حال، از برتری امام علی سخن می گوید و به این روش حکیمانه، درس مهمی را به یاران خود می آموزد. شاید این عمل ائمه، که برترین فضایل را به حضرت علی (ع)، نسبت می دادند، کاری بوده است. در جهت حفظ تاریخ از دسیسه های بدکاران و بیمه کردن آن در برابر دشمنی و کینه دشمنان و معاندان خاندان اهل بیت. اشکال دوم پیش از این دانستیم که عبادت امام، امری هدف دار بوده است و دانستیم که آن حضرت بعضی تجربه های عبادتی خود را، در برابر مردم انجام می داده و ایشان را به انصراف خود از دنیا و مشغول بودن به امور معنوی توجه می داده است و بدین وسیله هم اسباب اطمینان حکومتیان را فراهم می آورده و هم با تعلیم مردم، الگویی مناسب و بی نظیر را پیش چشم آن ها قرار می داده است. سؤال این جاست که: آیا عبادت امام، صفتی عارضی برای ایشان بود و آن چه انجام می داد فقط در جهت رسیدن به اهدافی بود که ذکر کردیم؟ آیا عبادت امام از جنبه اسلامی و بعد روحی خالی و تهی بود؟! و آیا سزاوار است که عبادت های عمیق و معرفت آموز امام را این چنین سطحی تفسیر کنیم و پدیده ای بدین شگفتی را فقط وسیله ای برای محقق کردن اهدافی چند بدانیم؟! جواب این اشکال با توضیح چند امر، آشکار می گردد: اولاً: پیش از این گفته شد که سبب مباشر پدیده تعبد، که در زندگی

امام سجاده مجال بروز یافت، ظرف زمانی خاصی بود که امام را احاطه کرده بود. آری، همان گونه که روزگاری، امام حسن (ع)، بنا به مقتضای زمان، مجبور به صلح گردید و امام حسین (ع) چاره ای جز انقلاب و براندازی حکومت وقت، نداشت، امام سجاده (ع) نیز ناگزیر به انزوا پناه برد و به عبادت پروردگار خویش مشغول گردید. ثانیاً: در صورتی که امام می توانست با تمسک به انزوا و یاری جستن از پدیده تعبد، اهداف معینی را در جهت مصالح عامه مسلمین، تحقق بخشد، از دست دادن این فرصت شایسته امام نبود، چون او مقامی الهی داشت و امام و هادی مردم بود و می بایست آن ها را تعلیم می داد و ارشاد می نمود. ثالثاً: برای انسانی که به کاری عادت کرده، مثلاً به عبادت، جمع کردن بین عبادت خالص برای پروردگار، و توجه کردن به تأثیرگذاری این عبادت در مردم، بسیار سخت و مشکل است، زیرا در این صورت، خلوص نیت که شرط اساسی است، به آسانی تحصیل نمی شود. اما آن کسی که ایمانی عمیق و مخلصانه دارد، قادر است بی آن که شائبه ای از شرک و ریا در عبادتش پدید آید، با عبادت خود مردم را تعلیم دهد. از این رو است که عبادت امام سجاده، مانند ندارد و زین العابدین، صفت مختص به اوست. پس می توان تصور نمود که عبادت امام هم خالص برای خدا بود و هم وسیله ای برای تعلیم و ارشاد مردم و توجه دادن آن ها به امور معنوی خدایی.



بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

